

تحلیلی بر چالش‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی فرهنگی بین ایران و عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴

*خلیل اله سردارنیا^۱، قحطان عدنان عبدالحسین شبر^۲، جمیل قریشی^۳

۱. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۹ مرداد ۱۴۰۳
تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

از اصول سیاست خارجی ایران برقراری روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحراب و احیای اندیشه امت اسلامی است. با سرنگونی صدام فصل نوینی در روابط خارجی ایران و عراق پدید آمد، اما در کنار فرصت‌های پدیدآمده در روابط دو کشور شاهد چالش‌ها و محدودیت‌هایی بوده‌ایم. به تبع این امر، پرسش این نوشتار آن است که مهم‌ترین چالش‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی فرهنگی بین ایران و عراق پس از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ چه بوده‌اند؟ این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد جامعه‌شناختی تاریخی به روابط بین‌الملل و با تکنیک کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی انجام شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که ایران تلاش کرده با استفاده از گفتمان جامع روابط تاریخی با اعراب عراق به‌طور کلی و با شیعیان به‌طور خاص بر اساس مشترکات فرهنگی و مذهبی و رویکرد مبتنی بر مقاومت در مقابل توسعه و سلطه‌گرایی قدرتهای فرامنطقه‌ای، البته با همکاری دولت عراق، فضای مناسبی برای دیپلماسی فرهنگی و بهبود روابط دولت ایجاد کند. با وجود این، چالش‌ها و موانعی بر سر راه دیپلماسی فرهنگی بین ایران و عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ وجود داشته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: فعالیت‌ها و نقض آفرینی منفی رسانه‌های آمریکایی - سعودی با محوریت ایران‌هراسی در منطقه، فعالیت‌ها و اقدامات مخرب گروه‌های تروریستی تکفیری به‌ویژه داعش، شکل‌گیری و شکاف‌های سیاسی-فکری بین تشکل‌های شیعی به‌ویژه گروه صدر با بقیه شیعیان، شیعه‌هراسی در منطقه در چهار چوب رقابت‌های ژئوکالچری بین هلال شیعی به‌رهبری ایران و بلوک سنی به‌رهبری عربستان، فعال بودن جریان‌های ضدایرانی در عراق و بقایای حزب بعث، مداخلات خارجی در امور عراق برای شکنندگی کردن دولت، استمرار برخی آثار روحی-روانی ناشی از آثار و پیامدهای جنگ ایران و عراق، عدم تلاش جدی دو کشور برای گسترش دیپلماسی فرهنگی به‌پیروان اهل سنت و فقدان افق بلندمدت برای همکاری‌های بین‌دو کشور.

کلیدواژه‌ها:

ایران، چالش‌ها، دیپلماسی
فرهنگی، سیاست
خارجی، عراق

* نویسنده مسئول:

دکتر خلیل اله سردارنیا

نشانی: استناد علوم سیاسی،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
پست الکترونیک:

kh_sardarnia@yahoo.com

استناد به این مقاله:

سردارنیا، خلیل اله و قحطان عدنان عبدالحسین، شبر و جمیل، قریشی. (۱۴۰۳). تحلیلی بر چالش‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی فرهنگی بین ایران و عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۶(۳)، ۱۶۴-۱۳۹.

۱. بیان مسئله

اصطلاح دیپلماسی فرهنگی و عمومی را پژوهشگر آمریکایی آدموند گلین (۱۹۶۷) در میانه دهه ۱۹۶۰ به کار برد که بر محوریت تبلیغات طرح شده در دوره پس از پایان جنگ سرد، در قالب «دیپلماسی عمومی» مورد توجه واقع شد. این نوع دیپلماسی، ناظر بر استفاده از رسانه‌ها و تبلیغات و روابط بین گروه‌ها و نهادهای مدنی «فرهنگی»، ارتباطات فرهنگی ملت‌ها، گسترش روابط پژوهشگران، دانشگاهیان، همکاری‌های رسانه‌ای، آداب گردشگری و میزگردهای فرهنگی- اجتماعی است. دیپلماسی فرهنگی با تقویت قدرت نرم و نمادین، موجب افزایش مشروعیت و شناسایی بین‌المللی یک دولت در نزد دولت‌ها و ملت‌های دیگر و افزایش نفوذ فرهنگی اجتماعی و سیاسی و پرستیژ بین‌المللی آن کشور و در نهایت افزایش اقتدار و قدرت ملی در ابعاد گوناگون می‌شود.

در سیاست خارجی کشورهای مختلف، حوزه دیپلماسی عمومی نقش غیرقابل انکاری در تأمین منافع و اهداف آنان در کشورهای مورد نظر دارد. (کورنلیو و کریسیانا، ۲۰۲۰: ۱۲) با فروپاشی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برآمدن حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی دینی- مذهبی در سال ۱۳۵۷، سیاست داخلی این کشور و به تبع آن سیاست خارجی هم وارد فصل تازه‌ای شد. با بررسی اصول سیاست خارجی ایران مشاهده می‌شود که یکی از اصول مهم آن، روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحراب و احیای اندیشه امت اسلامی است، اما اجرا و عملیاتی کردن این اصول حداقل در مورد کشور همسایه، عراق، با وجود حاکمیت صدام و حزب بعث، نه تنها امکان‌پذیر نبود، بلکه با رفتارهای خصمانه و سیاست‌های جاه‌طلبانه‌ای که داشت منجر به جنگ هشت‌ساله میان این دو کشور همسایه شد، زیرا در این دوران علاوه بر اختلافات پیشین، تفاوت‌های ایدئولوژیک رژیم‌های موجود، گرایش‌های پان‌عربیستی مضاعف رژیم بعث و تمایل آن برای حاکمیت بر جهان عرب و همچنین گرایش‌های دو کشور به قطب‌های مخالف دوران جنگ سرد و مخالفت عراق با حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه شرایط را نامطلوب کرد (پارساپور، ۱۳۸۹: ۱۲)، اما سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳، نقطه عطفی در تاریخ روابط خارجی عراق بود و منجر به اصلاح روابط غیر معمول عراق با همسایگانش و شروع فصل نوین همکاری منطقه‌ای و صلح شد.

جمهوری اسلامی هم از یک سو با عبور از تاریخ پرتنش روابط با عراق، پس از سال ۲۰۰۳

بازبینی عمیقی در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عراق داشت. روابط دیپلماتیک و تجاری مسیری صعودی به خود گرفت و ازسویی دیگر جمهوری اسلامی توانست با پیدا کردن متحدان نزدیک عراقی، نفوذ قابل توجهی در این کشور پیدا کند. ازجمله اولین اقداماتی که ایران در تغییر سیاست خارجی خود با عراق انجام داد، می‌توان به تعامل عادی دیپلماتیک و نهادی، دیپلماسی عمومی فشرده از طریق تردد مسافران عراقی بدون ویزا و در نهایت و از همه مهم‌تر، یک تعامل امنیتی پیچیده با انبوهی از بلوک‌های سیاسی و شاخه‌های نظامی آن‌ها بوده که برخی از آن‌ها یا ایران یا با حمایت ایران تأسیس شده و در عراق پسادام بروز و ظهور پیدا کرده‌اند. (پورحسن و خوشناموند، ۱۳۹۹: ۱۱۰)

دولت ایران، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از ظرفیت و ارتباطات خود با گروه‌های مختلف شیعه در عراق، ازجمله تشکیل نیروهای حشد شعبی برای افزایش نفوذ خود در عراق پس از سقوط صدام استفاده کرده تا بتواند قدرت نرم خود را در حوزه‌های مختلف عراق افزایش دهد. در همین راستا، تعاملات ایران با گروه‌ها و فعالان شیعی در دستور کار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نفوذ در ملت و اقشار شیعی، کمک‌های اقتصادی و خدماتی برای پیشبرد بیشتر و نفوذ دیپلماسی فرهنگی گسترش یافت. با وجود این، از مقاطعی این روابط و دیپلماسی فرهنگی با موانعی همچون عدم حمایت گروه مقتدی صدر و شکاف آن با شیعیان و گروه‌های شیعی دیگر، شکاف سیاسی و فکری در جامعه عراق و وقفه‌های کشورهای بین‌المللی و سوءاستفاده عربستان از این شکاف‌ها مواجه شد. با این توضیحات، در این پژوهش نگارندگان به دنبال بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و موانع دیپلماسی فرهنگی بین ایران و عراق در مقطع زمانی پسادام از ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۴ است.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات مختلفی در قالب مقاله، کتاب، پایان‌نامه به‌صورت داخلی و خارجی از نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های مختلف به تحولات ایران و عراق با تکیه بر مؤلفه‌های خاص نظر کرده‌اند؛ ازجمله این تحقیقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

قنبرلو (۱۴۰۰) در تحقیق خود به مشکلات و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در سطح کلان می‌پردازد و اظهار می‌کند که دیپلماسی فرهنگی ایران برخلاف انتظارات تصمیم‌گیرندگان، اهداف و منافع ملی کشور را پیش نبرد، زیرا نتوانست نقش مهمی در ارتقای متغیر میانجی یعنی

مقبولیت بین‌المللی ایران ایفا کند. عبادی (۱۳۹۵)، راهبردها و سازکارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با هدف خنثی‌سازی اهداف و دیپلماسی ضدایرانی آمریکا در عراق را بررسی کرده است. این مطالعه گرچه با یک قسمت از مطالعه ما در بحث چالش‌های دیپلماسی فرهنگی از منظر قدرت‌های فرامنطقه‌ای شباهت دارد؛ از حیث شمولیت و محتوایی تفاوت‌های بسیار زیادی دارد. نیک‌روش رستمی (۱۳۹۲) در تحقیق خود، منابع قدرت نرم با محوریت رسانه‌ها در قبال عراق پس‌اصدام را بررسی کرده است. این مطالعه به دلیل تمرکز بر قدرت نرم و عمدتاً رسانه‌ای، گرچه با مطالعه ما تاحدی مشابهت دارد؛ به تمام ابعاد دیپلماسی فرهنگی و به‌ویژه چالش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی توجه نکرده است. ایزدی (۱۳۹۰) پیچیدگی‌های محافل سیاست‌گذاری و چالش‌هایی را که دیپلمات‌های آمریکایی در اجرای دیپلماسی عمومی مؤثر در قبال ایران با آن مواجه بوده‌اند، بررسی کرده است.

علی لطیف القریشی (۲۰۲۲) به دنبال آن است تا میزان برنامه‌ریزی استراتژیک را در بین تصمیم‌گیرندگان سیاسی ایرانی در عراق بداند، زیرا ایران نماینده یک کشور منطقه‌ای است که اوضاع سیاسی را کنترل می‌کند. در عراق به دلیل وجود ابعاد سیاسی، علاوه‌بر شناخت دلایل واقعی مداخله ایران در عراق، بیانگر عمق استراتژیک، امنیتی، اقتصادی و ایدئولوژیک است. این کتاب نتیجه‌گیری می‌کند که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند عراق را کامل کنترل کند، اما می‌تواند از طریق نفوذ مستقیم خود در عرصه سیاسی داخلی عراق در سیاست عراق تأثیر بگذارد که این امر باعث شده بتواند نقش بیشتری در عراق و منطقه ایفا کند. علی المالکی (۲۰۲۱) به هویت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد که نقش برجسته‌ای در روندهای دیپلماسی ایران ایفا کرده است. این مطالعه به این نتیجه می‌رسد که دیپلماسی ایرانی یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه تلقی می‌شود و از طریق تلاش برای به‌کارگیری توانمندی‌ها و مؤلفه‌ها که ایران در اختیار دارد، واجد شرایط اجرای پروژه ایدئولوژیک خود و دستیابی به جایگاه قدرت مرکزی است. وداد القرنی (۲۰۱۹) دیپلماسی فرهنگی را یک عامل کلیدی در نظام سیاسی بین‌الملل می‌داند و اهمیت آن در سیاست خارجی کشورها به‌عنوان نوع جدید و مهمی از دیپلماسی را مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا روابط بین‌ملت‌ها را تقویت می‌کند. احمد کامل الخفاجی (۲۰۲۰) معتقد است جمهوری اسلامی ایران دارای قدرت نرم فزاینده‌ای است و این قدرت را در سیاست خارجی خود به کار گرفته و از جایگاه تأثیرگذاری در جامعه بین‌الملل برخوردار بوده است و به یکی از طرف‌های جامعه بین‌المللی تبدیل شده است.

که توازن قوا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محمود (۱۴۰۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «تأثیر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری عراق از سال ۲۰۰۳ به بعد» در دانشگاه المصطفی العالمیه، از منظر سطح تحلیل حکومتی و فرایند تصمیم‌سازی موضوع روابط و تعاملات ایران در قبال عراق را بررسی کرده است. گرچه از مطالب این اثر استفاده شد؛ به دلیل تمرکز نکردن روی فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی فرهنگی، با این مطالعه تفاوت محتوایی دارد. العجوری (۲۰۲۱) به نحوه مقابله با بی‌ثباتی اوضاع سیاسی عراق و تحریکات رسانه‌ای و سیاسی برخی از احزاب علیه جمهوری اسلامی به تحریک طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای پرداخته، اما معتقد است که نباید مانع از پابندی به گزینه‌های راهبردی برای تقویت روابط با بغداد شد.

۳. ضرورت و نوآوری تحقیق

بررسی ادبیات داخلی و خارجی تحقیق نشان می‌دهد که اهم کارهای انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق، عمدتاً در راستای فرصت‌ها و تلاش برای اثبات فرضیه عمق نفوذ ایران در عراق با تکیه بر مفاهیم قدرت نرم و دیپلماسی هستند که جنبه‌های سوگیرانه و جهت‌گیرانه کار را افزایش می‌دهد. این تحقیق تلاش دارد ضمن رویکردی انتقادی، فرای این موارد مفروض، به چالش‌ها و محدودیت‌های پیش روی دیپلماسی فرهنگی در بستری تاریخی-اجتماعی و سیاسی که نزدیک‌ترین آنها جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، مبانی مذهبی سنی-شیعی، نژاد عربی-فارسی و... بعد از تاسیس جمهوری اسلامی است، تأکید کند.

۴. چهارچوب نظری تحقیق

قابلیت و ظرفیت نظریه نواقع‌گرایی^۱ در توضیح پدیده‌های سیاسی و روندهای متأخر در نظام بین‌الملل قابل توجه است. اتکاپذیری این نظریه آن را به نظریه‌ای غالب در عرصه نظریه‌پردازی‌های روابط بین‌الملل تبدیل کرده است. تبیین مبانی این نظریه مستلزم بررسی بنیادهای آن در قالب نظریه واقع‌گرایی^۲ است که به دو شاخه اصلی واقع‌گرایی کلاسیک و واقع‌گرایی ساختاری (تدافعی و تهاجمی) تقسیم می‌شود. (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۷)

واقع‌گرایی کلاسیک بر توضیح ویژگی‌های فردی و ملی استوار است. هابز، ماکیاوول، نیبور

1. Theory OF Neorealism
2. Theory OF Realism

و نیز مورگنتا از نظریه پردازان این مکتب‌اند. آنان معتقدند جنگ و نزاع برآمده از ذات و سرشت بد انسان‌هاست بنابراین برای شناخت روابط بین‌الملل باید اشخاص و رهبران و ویژگی‌های ملی هر کشور را مطمح نظر قرار داد. واقع‌گرایی کلاسیک در سطح تحلیل اول (فردی) و سطح دوم (ملی) باقی می‌ماند، از این‌رو، والتز آنان را تقلیل‌گرا می‌داند و معتقد است که واقع‌گرایی کلاسیک یک نظریه تقلیل‌گراست که قدرت‌طلبی و جنگ‌طلبی کشورها را به ذات بد رهبران آنان تقلیل می‌دهد. (کشاوری مقدم، ۱۳۹۴: ۵۶).

در رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی، هدف نهایی تمامی دولت‌های تجدیدنظرطلب، دستیابی به موقعیت هژمونیک در نظام بین‌الملل تعریف می‌شود. این دسته از دولت‌ها، با تمرکز جدی بر کسب قدرت، در صورت فراهم بودن شرایط، به دنبال تغییر توزیع قدرت به سود خود هستند. بر این اساس، قدرت‌های بزرگ تمایل دارند در منطقه نفوذ خود به هژمونی دست یابند و در عین حال، از هژمون شدن سایر قدرت‌های بزرگ جلوگیری می‌کنند. با این وجود، این بدان معنا نیست که دولت‌ها صرفاً پذیرنده روندهای بین‌المللی هستند؛ بلکه رفتار تهاجمی آنها در سیاست خارجی و اقداماتشان، با هدف حداکثرسازی توانمندی‌ها، بر عملکرد سایر بازیگران و حتی تغییر در موازنه قدرت تأثیرگذار است. همچنین، دولت‌های ضعیف‌تر در نظام بین‌الملل، در صورت یافتن فرصتی برای تغییر موازنه قوا به نفع خود، از آن چشم‌پوشی نخواهند کرد.

چنانچه ذکر شد، در رئالیسم کلاسیک ذات بشر تحولات متعاقب را شکل می‌دهد، از این‌رو جنگ به‌عنوان یکی از نتایج جبری وجه شر ذات آدمی اجتناب‌ناپذیر است. این وجوه، زندگی بشر را شکل می‌بخشند. واقع‌گرایی، رویکردی مبتنی بر تجربه و عمل است که بر استفاده مؤثر و خردمندانه از قدرت توسط دولت‌ها برای دستیابی به منافع ملی تأکید دارد. سیاست خارجی واقع‌گرایانه، سیاستی است که بر منافع متمرکز بوده و هدف اصلی آن تأمین و پیگیری منافع ملی است که این منافع بر اساس میزان قدرت ملی تعریف می‌شوند. با این دیدگاه، مکتب واقع‌گرایی به‌عنوان یکی از چارچوب‌های نظری مهم و منسجم، همواره رویکردی مورد توجه در مطالعات سیاست خارجی دولت‌ها بوده و مفاهیم گوناگونی را تحلیل کرده است. مفهوم «منافع ملی» از جمله مفاهیمی است که توسط نظریه‌پردازان واقع‌گرا مورد بررسی قرار گرفته است. هانس مورگنتا، از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرا، مفهوم منافع ملی را به‌عنوان یک واقعیت عینی و اساسی برای درک اندیشه و عملکرد سیاست‌گذاران در مرکز توجه مباحث نظری این حوزه مطالعاتی قرار داد. او معتقد بود که منافع ملی، معیاری ثابت و همیشگی است که

اقدامات سیاسی باید با آن سنجیده شوند و اهداف سیاست خارجی نیز باید بر این اساس تعیین گردند. در ادامه واقع‌گرایی ساختاری یا نواقح‌گرایی با والتز انسجام یافت.

در چهارچوب نوین واقع‌گرایی سعی بر آن است که به موضوعاتی فراتر از سرشت انسان‌ها و ویژگی‌های ملی پرداخته شود، از این‌رو، نواقح‌گرایی در تبیین سیاست بین‌الملل به ویژگی‌های نظام بین‌الملل توجه می‌کند و نه افراد و واحدها. البته درست است که کنت والتز و سپس واقع‌گرایان تهاجمی^۳ همچون مرشایمر تغییراتی را در اهداف و ابزارهای این نظریه ایجاد کردند، اما بافت اصلی آن روی آموزه‌های واقع‌گرایی کلاسیک استوار است و منافع ملی همچنان چراغ راهنمای سیاست خارجی دولت‌ها قلمداد می‌شود، با این تفاوت که نواقح‌گرایی بر ساختار سیاست جهانی^۴ به جای طبیعت انسان تأکید دارد، از این‌رو، احساس ناامنی به دلیل ساختار نظام بین‌الملل است که رفتار واحدها را حول موضوع قدرت و امنیت شکل می‌دهد، نه ذات نامطلوب بشر. اگر «سرشت معیوب بشر»^۵ نقطه عزیمتی مهم و تعیین‌کننده برای تحلیل واقع‌گرایی کلاسیک باشد، کانون نواقح‌گرایی را سیستم بین‌المللی تشکیل می‌دهد؛ به عبارت دیگر ساختار است که به روابط سیاسی حادث میان اعضای سیستم شکل می‌دهد.

از دید واقع‌گرایان ساختاری^۶، سیاست بین‌الملل چیزی بیش از حاصل جمع خط‌مشی‌های خارجی کشورها و سایر بازیگران در سیستم است. بر این اساس، والتز استدلال می‌کند که پایه الگوهای روابط میان بازیگران بر سیستمی فاقد مرجع فائقه مرکزی استوار است. البته هر دو نظام بین‌الملل را آنارشیک می‌دانند، اما مفهوم آنارشیک^۷ در نواقح‌گرایی کانونی‌تر و از ویژگی‌های ساختار بین‌الملل تلقی می‌شود. از نظر والتز، نظام چیزی فراتر از مجموعه اجزاست و آن چیزی که نظام را از مجموعه اجزا متمایز می‌کند، ساختار نظام است. ساختار فراگیرترین جزء نظام است که تصور آن را به‌طور کلی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، ساختار عبارت است از چگونگی آرایش واحدها در سیستم. (والتز، ۱۹۷۹: ۳۶)

بحث مهم دیگر در نواقح‌گرایی آن است که ساختار بر چه اساسی شکل می‌گیرد و بر چه

-
3. Offensive Realism
 4. The structure of global politics
 5. Human defective nature
 6. Structural realists
 7. Anarchy

مبنایی بازیگران نظام بین‌الملل آرایش خاصی می‌گیرند، زیرا نواقعی گزایی معتقد است که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل فاقد قدرت برتر است و اقتدار مرکزی در آن وجود ندارد، پس با این توضیح، کشورها در عین حالی که با یکدیگر برابر نیستند، این آرایش ساختار ناشی از چیست؟ والتز در پاسخ به این سؤال اذعان می‌کند که در چنین نظامی جایگاه هر بازیگر براساس قدرت و توانایی‌هایش مشخص می‌شود. در واقع این توزیع توانمندی در میان بازیگران است که آرایش ساختار را موجب می‌شود و براساس اینکه ساختار از چند قدرت برتر برخوردار باشد، صورت می‌یابد. عنصری که ساختار نظام بین‌الملل براساس آن تعریف می‌شود قدرت ملی^۸ است و براساس چنین ظرفیت و توانایی است که آرایش کشورها شکل می‌گیرد بنابراین از دیدگاه والتز ساختار نظام بین‌الملل عبارت است از چگونگی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی. قدرت در نظام بین‌الملل یکسان توزیع نشده، از این رو هر بازیگری که قدرت بیشتری داشته باشد در رأس قرار می‌گیرد. (همان، ۴۰-۴۱)

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که نواقعی گزایی بر سه پایه ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک، تمایز کارکردی بازیگران و توزیع توانمندی‌ها میان بازیگران استوار شده است که در ادامه به توضیح هریک از موارد ذکر شده در راستای تحقیق حاضر پرداخته می‌شود.

براین اساس، جمهوری اسلامی در دوره پس‌اصدام و بعد از خلأ قدرتی که در منطقه به وجود آمده بود، توانسته است حضور خود را در قالب هم‌پیمان در کشور عراق تقویت کند و در راستای نفوذ ایدئولوژیک به منطقه، در تلاش برای تعیین و تقویت نیروهای وفادار به خود، ساختار سیاسی و نظامی کشور عراق را ترسیم کند و در این مسیر با کمک‌های اقتصادی و دادن سوبسیدهای مردمی، نفوذ خود را در میان گروه‌های وابسته به خود گسترش دهد. این امر در کوتاه‌مدت و با حضور مسائل و مشکلاتی چون نیروهای خارجی و سایه جنگ، داعش و ویرانی، کمبود مواد غذایی و نبود انرژی، از بین رفتن زیرساخت‌های حیاتی می‌توانست نفوذ ایران شیعی را در این منطقه تقویت کند، اما با رفع این مشکلات به نظر می‌رسد که قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایران با چالش‌هایی اساسی روبه‌رو شده است.

۸. شایان ذکر است که در تعریف چنین سیستمی، واقع‌گرایان بر دولت‌ها به‌عنوان بازیگران انحصاری تأکید دارند و معتقدند باوجود نهادهای بین‌المللی، اما تصمیم‌گیرندگان نهایی دولت‌ها هستند و چون این دولت‌ها بازیگرانی عاقل هستند پس عقلانیت بر رفتار آنها حاکم است، از این رو دست به انتخاب می‌زنند.

۴-۱. چالش و محدودیت‌های دیپلماسی فرهنگی بین عراق و ایران در سطح ملی

در کنار فرصت‌ها و زمینه‌های مشترک فراوان فراروی دیپلماسی فرهنگی و نقش آنها در بهبود و استحکام نسبی روابط دو ملت، اما یک‌سری چالش‌ها و موانع وجود دارند که مانع از بهبود و تقویت کامل روابط دو دولت و ملت و دیپلماسی کاملاً موفق فرهنگی شده‌اند. این موانع هم در سطح ملی دو کشور اعم از سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد و هم در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه از ناحیه عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا که در این نوشتار بررسی شده‌اند.

۴-۲. تعارض‌ها و شکاف‌های هویتی: چالشگری جریان شیعی صدر و کردها علیه ایران

تحولات عراق رویکردهای مختلفی را برانگیخته است که در این میان می‌توان به شکل‌گیری نوعی نگاه واقع‌بینانه در ایران به رویدادهای در حال وقوع در عراق اشاره کرد. یکی از رویکردهای مهم این است که عراق جدید را به‌عنوان یک واقعیت موجود بپذیریم و دیدگاهی عمل‌گرایانه از پویایی داخلی آن و بازیگران درگیر اتخاذ کنیم. افزایش قدرت شیعیان در بغداد پس از صدام و تعیین توافقات مرزی از جمله عوامل مؤثر در روابط ایران و عراق است. برای پیگیری مؤثر اهداف استراتژیک و تأمین منافع ملی، داشتن تعامل سازنده با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر در صحنه سیاسی عراق ضروری است. این رویکرد بر درک عمل‌گرایانه از وضعیت و تعامل فعال در عراق تأکید دارد. (تیشه یار، ۱۳۹۱: ۹۹) با وجود این، کیفیت مداخلات و روابط با جریان‌های سیاسی و فکری در عراق و پیامدهای امنیتی آن از یک‌سو و جنگ نرم رسانه‌ای علیه ایران و امنیتی‌سازی شدید آن از سوی دیگر سبب شده دیپلماسی فرهنگی ایران با چالش‌های مهمی مواجه شود. در این بین، شکل‌گیری و اشاعه تعارض‌های هویتی، فکری و سیاسی در درون شیعیان عراق و فعال شدن شکاف‌های قومی و مذهبی در جامعه موزاییکی این کشور در سال‌های اخیر، سبب شده ایران نتواند به همه اهداف دیپلماسی فرهنگی و سیاسی در حد انتظار مطلوب برسد و با واکنش‌های بعضاً ناخوشایند رادیکال و خشن علیه جریان صدری و عرب‌های اهل تسنن و کردها هم مواجه شود.

در طول تاریخ، عراق با چالش‌های ناشی از تنوع قومی و مبارزاتی برای تسلط افراد و گروه‌های مذهبی مختلف از جمله عرب، کرد، سنی و شیعه مواجه بوده است. این گروه‌ها و احزاب، به‌ویژه در شکل دادن به سیاست خارجی عراق در رابطه با ایران، نقش‌های حیاتی

ایفا می‌کنند. برجستگی بازیگران شیعه و کرد در شکل دادن به ساختار قدرت بغداد، برکناری رژیم بعثی و تغییر رویکرد از رویکرد «عربی- سنی» به رویکرد «عربی- شیعه- کردی» در سیاست عراق، فرصت‌های همسو با ایران است. منافع ملی حضور اکثریت گروه‌های شیعه و کرد به‌طور قابل‌توجهی در توسعه یا وخامت روابط عراق و ایران تأثیر می‌گذارد. اتحاد این دو گروه با وجود چالش‌های داعش و دخالت سایر همسایگان عرب سنی، می‌تواند عاملی قدرتمند در شکل‌گیری سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای عراق باشد. تشخیص این امر حیاتی است که ترک هر یک از این احزاب عواقب سنگین و جبران‌ناپذیری خواهد داشت. (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۲)

۴-۲. حافظه تاریخی و انگاره‌های ناخوشایند ریشه‌دار ناشی از جنگ هشت‌ساله

وقوع انقلاب اسلامی در ایران تغییرات قابل‌توجهی در ساختار قدرت در خاورمیانه ایجاد کرد و سیستم امنیتی دوقطبی موجود تحت سلطه ایالات متحده و بلوک غرب را به چالش کشید. پیروزی انقلاب اسلامی نه‌تنها ایران را از صفوف ایالات متحده و بلوک غرب حذف کرد، بلکه نگرانی‌هایی را در میان قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا برانگیخت. این نگرانی‌ها حول محور گسترش نفوذ انقلاب ایران در منطقه و حفاظت از منافع مربوطه آنها بود. البته حمله عراق به ایران بدون ریشه‌های تاریخی نبود بنابراین اختلافات مرزی و موضوع شط‌العرب دستاویزی برای تجاوز عراق به ایران بود. (بخشایشی، ۱۳۷۹: ۹۳-۹۷) جنگ هشت‌ساله در کنار پیامدهای داخلی برای دو کشور، سبب تغییرات سیاسی و نظامی گسترده‌ای در نظم منطقه‌ای و ترتیبات آتی شد که صورت‌بندی فرضیه نشان از مجموعه‌ای از متغیرهای به‌هم‌پیوسته سیاسی، نظامی، اجتماعی، تاریخی دارد که برخی از این متغیرها با تقویت متغیرهای دیگر، نقش تأثیرگذاری در رخداد جنگ با استفاده از «زور و قدرت سخت» برای حل «مسئله ایران» داشته، به‌طوری‌که هیچ‌کدام به‌تنهایی نمی‌تواند آغازکننده جنگ باشد. (حاجتی، ۱۴۰۰: ۳۶۰)

وجود فرصت‌های فرهنگی و مذهبی در مسیر دیپلماسی فرهنگی دو کشور ایران و عراق در مقطع زمانی پس‌اصدام را نمی‌توان نادیده گرفت. باوجوداین، جنگ هشت‌ساله بین دو کشور به شکل‌گیری حافظه تاریخی و انگاره‌های منفی در سطح مردم و افکار عمومی نیز دامن زد بنابراین نمی‌توان نقش این زمینه اجتماعی- روانی- سیاسی را به یک‌باره نادیده گرفت. چنین زمینه‌هایی به‌مثابه آتش زیر خاکستر در مقطع‌های زمانی بحرانی در مسیر روابط و دیپلماسی

فرهنگی ایران و عراق عمل کرده‌اند که پیشتر به آن‌ها اشاره شد که مهم‌ترین آنها شعله‌ور شدن رادیکالیسم عرب‌گرا در عراق به‌ویژه در جریان صدر در برهه خاص زمانی بود، هرچند نباید این را فراگیر در کل جامعه عراق و شیعیان تصور و تلقی کرد. طبعاً در ایران نیز در لایه‌هایی از ملی‌گرایان و مردم به‌ویژه در سال‌های بسیار بحرانی اقتصادی اخیر، این حافظه تاریخی به شکل‌گیری پاره‌ای نارضایتی‌ها انجامیده است و گسترش روابط با عراق و مداخلات را برخلاف منافع ملی ایران می‌دانند.

۳-۴. آشفتنی سیاسی - تاریخی دو کشور در طول جنگ هشت‌ساله

زمینه تاریخی که به آن اشاره شد، پویایی و انگیزه‌های پیچیده پشت تهاجم عراق به ایران را برجسته می‌کند. وقوع انقلاب اسلامی در ایران تغییرات قابل توجهی در ساختار قدرت در خاورمیانه ایجاد کرد و سیستم امنیتی دوقطبی موجود تحت سلطه ایالات متحده و بلوک غرب را به چالش کشید. این به‌نوبه خود فرصتی را برای عراق ایجاد کرد که به دلیل ناکافی بودن ایران در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، به دنبال ضربه قاطعی به ایران بود. پیروزی انقلاب اسلامی نه تنها ایران را از صفوف ایالات متحده و بلوک غرب حذف کرد، بلکه نگرانی‌هایی را در میان دولت‌های محافظه‌کار و قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و شوروی برانگیخت. این نگرانی‌ها حول محور گسترش نفوذ انقلاب ایران در منطقه و حفاظت از منافع مربوطه آنها بود. در نتیجه عراق به رهبری صدام حسین و رژیم بعثی از این فرصت استفاده و به ایران حمله نظامی کرد. در حالی که اختلافات مرزی و موضوع شط‌العرب دستاویزی برای تجاوزات عراق بود، دلایل اصلی آن ریشه در منافع ژئوپلیتیکی و نارضایتی قدرت‌های خارجی از انقلاب اسلامی ایران داشت. شناخت ماهیت چندوجهی این رویدادها و تأثیر متقابل عوامل مختلف سیاسی، منطقه‌ای و جهانی، که در تصمیم عراق برای آغاز جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران تأثیر گذاشت، حائز اهمیت است. شایان ذکر است که تحلیل ژئوپلیتیک شامل تفاسیر و دیدگاه‌های متفاوتی است و تحقیقات بیشتر و بررسی تاریخی می‌تواند بینش بیشتری در مورد این رویدادها ارائه دهد. (بخشایشی، ۱۳۷۹: ۹۳-۹۷)

جنگ ایران و عراق صرفاً بر پایه اختلافات مرزی و پیشینه درگیری‌های نظامی شکل نگرفت، بلکه مجموعه‌ای از انگیزه‌های ژئوپلیتیکی عمیق‌تر و مداخلات خارجی در آن دخیل بود. گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌های متعددی درباره نقش کشورهای عربی، آمریکا و سایر قدرت‌های

جهانی در حمایت از عراق و نگرانی آنها از گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران وجود دارد. به نظر می‌رسد این جنگ، بخشی از توطئه‌ای مشترک با حمایت بازیگران گوناگون، با هدف مقابله با تداوم و صدور ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران بوده است. اشغال سفارت آمریکا در تهران و وقایع پس از آن، روابط بین ایالات متحده و ایران را تیره کرد و منجر به از دست دادن قابل توجه اعتبار و منافع آمریکا در منطقه شد. این امر در کنار سایر توطئه‌های ادعایی مانند عملیات طبس و کودتای نوژه، به تنش بین دو کشور دامن زد. توجه به این نکته ضروری است که این ادعاها و تفاسیر موضوع بحث‌های تاریخی، دیدگاه‌های متفاوت و تحلیل‌های بیشتر است. رویدادهای ژئوپلیتیک شامل پویایی‌های پیچیده‌ای است و تحقیقات بیشتر می‌تواند بینش عمیق‌تری در مورد انگیزه‌ها و اقدامات طرف‌های درگیر در جنگ بین عراق و ایران ارائه دهد. (مجموعه مقالات دفاع مقدس، ۱۳۷۶: ۴۵)

۴-۴. احزاب شیعه وفادار به جمهوری اسلامی

شناخت کشور عراق و احزاب و جریان‌های فرهنگی - سیاسی حاکم بر آن، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳ و حمله آمریکا به این کشور و شکل‌گیری یک‌سری متغیرهای جدید، همچون تقویت عنصر شیعی و کردی در ساخت قدرت و حکومت عراق، روند حرکت عراق از یک دشمن استراتژیک به یک همکار منطقه‌ای، استقلال هرچه بیشتر کردها در این کشور و آثار آن در امنیت و منافع ملی ایران، بسیار اهمیت دارد (درویشی، ۱، ۱۳۹۰) بنابراین شناخت عراق و جریان‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن می‌تواند ما را در تحقق اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی کمک زیادی کند. گروه‌ها و احزاب عراق براساس مدافع، مخالف و میانه‌رو بودن با مواضع جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:

- الف) همراه با مواضع جمهوری اسلامی ایران: ۱. جماعه العلماء ۲. حزب الدعوه الاسلامیه ۳. سازمان عمل اسلامی ۴. مجلس اعلای انقلاب اسلامی.
- ب) مخالف با مواضع جمهوری اسلامی ایران: ۱. حزب بعث عراق ۲. حزب کمونیست کردستان عراق ۳. اتحاد اسلامی کردستان.
- ج) گروه‌ها و احزاب میانه‌رو با مواضع جمهوری اسلامی ایران: ۱. حزب دموکرات کردستان عراق ۲. اتحادیه میهنی کردستان عراق ۳. حزب سوسیالیست کردستان ۴. حزب گوران ۵. جریان

موسوم به صدری‌های عراق ۶. حزب فضیلت اسلامی عراق.

طبعاً وجود شکاف در بین احزاب از حیث نوع موضع‌گیری به سمت ایران در ارتباط با دیپلماسی فرهنگی دو کشور به‌عنوان یک چالش جدی در کنار چالش‌ها از ناحیه احزاب سنی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای عمل کرده است. در این ارتباط، وجود شکاف بین جریان صدر با ایران و احزاب و گروه‌های شیعی یک مثال بارز است.

۵. فشار دیپلماتیک عربستان و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

ایران و عربستان سعودی به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای، تحت تأثیر تفسیرهایشان از تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط پیچیده‌ای داشته‌اند. ایران به‌عنوان مروج اسلام شیعی با بازنمایی قدرت شیعیان در خاورمیانه به دنبال افزایش نفوذ ایدئولوژیک و استراتژیک خود در منطقه است. از سوی دیگر، عربستان سعودی با هدف تحکیم موقعیت خود در منطقه، تفسیر سلفی- وهابی از اسلام را به‌عنوان یک الگوی جایگزین ترویج می‌کند. در نتیجه، رقابت بین این دو قدرت با نمادهای شیعه و سلفی- وهابی، رقابت آنها را برای تسلط منطقه‌ای به نمایش می‌گذارد. ظهور موج سوم خیزش اسلامی در خاورمیانه، مانورهای دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی را تشدید کرده است، زیرا آنها به دنبال تحکیم و ارتقای جایگاه منطقه‌ای خود هستند. یمن به کانون رقابت منطقه‌ای بین دو کشور تبدیل شده است. عربستان سعودی یمن را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌داند و نسبت به هرگونه بی‌ثباتی که ممکن است تمامیت ارضی آن را تهدید کند، حساس است. از سوی دیگر، ایران با رویکرد هویت‌محور به تحولات یمن می‌پردازد و به دنبال حمایت از جمعیت شیعه این کشور است. این اختلاف در برداشت منجر به دخالت دیپلماتیک و فعال هر دو کشور در بحران جاری یمن شده است. در نتیجه، ایران و عربستان سعودی براساس دیدگاه‌های متمایز خود، سیاست‌های خارجی متفاوتی را در قبال تحولات یمن اتخاذ کرده‌اند. ایران با محوریت آرمان‌های انقلاب اسلامی و تعهد خود به حمایت از مظلومان و محرومان، هدفش شکل دادن به افکار عمومی در یمن و توانمندسازی مردم برای تعیین سرنوشت خود است. ایران رویکردی نرم را دنبال می‌کند و بر ایجاد یک دولت مردمی و مستقل در یمن تأکید و در عین حال از مداخله مستقیم نظامی پرهیز می‌کند. در مقابل، هدف عربستان گسترش اسلام سلفی وهابی و سرکوب شیعیان یمن است. علاوه بر این، به دنبال جلوگیری از تشکیل یک حکومت دموکراتیک و مردمی در یمن است. عربستان سعودی از روش‌های قهرآمیزتری برای سرکوب قیام یمن استفاده

می‌کند، زیرا بیم آن می‌رود که به امواج بیداری اسلامی دامن بزند و به مرزهای خود سرایت کند. در مجموع، برداشت‌های متفاوت از بحران یمن و سیاست‌های خارجی متضاد ایران و عربستان سعودی، نمونه‌ای از ذهنیت‌های متمایز این کشورهاست. رویکرد ایران همسوی با اهداف انقلاب اسلامی است و بر حمایت از مستضعفان و ایجاد امکان تعیین سرنوشت تأکید دارد. از سوی دیگر، عربستان سعودی مهار شیعیان و جلوگیری از تحولات دموکراتیک را در اولویت قرار می‌دهد و برای حفظ منافع و ثبات خود به اقدامات سختگیرانه برای سرکوب قیام یمن متوسل می‌شود. (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۸)

عربستان سعودی به‌عنوان یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار جهان اسلام و منطقه خاورمیانه به داشتن رویکردی محافظه‌کارانه در سیاست خارجی خود مشهور است و بیشتر به‌عنوان بازیگری شناخته شده که حامی وضع موجود و مخالف تغییر است، ولی رفتارهای این کشور در طول دهه گذشته در عرصه منطقه‌ای نشانگر عبور این کشور از رویکرد محافظه‌کاری و تمایل شدید به رویکردی تهاجمی است. با توجه به تغییر شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان سعودی، الگوهای رفتاری سیاست خارجی این کشور از حالتی محافظه‌کارانه به سوی رفتاری تهاجمی و امنیتی محور پیش رفته و سطح داخلی به اندازه سطح سیستمی و کلان در این تحول نقش مؤثری داشته است. حضور سطوح چندگانه تحول رفتار سیاست خارجی عربستان، سبب تداوم رویکردهای ناشی از تحول نیز شده است. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲)

۵-۱. بهار عربی و نابسامانی دولت عراق

بیداری عربی که از اواخر سال ۲۰۱۰ آغاز شد، تغییرات قابل توجهی در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای منطقه عربی خاورمیانه و بازیگران درگیر در این مجموعه امنیتی ایجاد کرد. متأسفانه این تحولات به جای تقویت دموکراسی منجر به فرسایش دولت‌ها و افزایش مداخلات خارجی در کشورهای بحران‌زده شده است. این وضعیت با چالش‌های ایجاد دولت-ملت و بحران‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در منطقه تشدید شده است. عراق به‌ویژه شکنندگی دولتی را به دنبال بیداری عربی تجربه کرد که درها را برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانت‌های برای مداخله در این کشور باز کرد. این قدرت‌ها از جناح‌های همسود در عراق حمایت می‌کنند که هدف‌شان کسب هژمونی منطقه‌ای، ایجاد بازدارندگی و گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی

خود است. متأسفانه این سیاست‌ها باعث تضعیف بیشتر دولت در عراق شده است. (نیاکویی و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۲۰۱-۲۰۶)

وضعیت سیاسی و اجتماعی در عراق پس از بیداری عربی را می‌توان به‌عنوان «بی‌سازمان‌دهی» با جناح‌های مختلف رقابتی و درگیری‌های مسلحانه توصیف کرد. گروه‌های مختلف دارای نفوذ و قدرت قابل توجهی هستند که منجر به فقدان یک اقتدار مسلط در بسیاری از زمینه‌ها می‌شود. ظهور سازمان‌های افراطی مانند القاعده و داعش باعث بی‌ثباتی بیشتر دولت و فروبردن عراق در جنگ داخلی فرقه‌ای شده است. به‌ویژه شهرهایی مانند رمادی و فلوجه، که به‌عنوان زادگاه حزب بعث عراق اهمیت تاریخی دارند، اهداف اولیه اشغال داعش بودند. در ژوئن ۲۰۱۴، موصل، دومین شهر بزرگ عراق، به کنترل داعش درآمد و ضربه سختی به دولت وارد کرد. موضوع همه‌پرسی استقلال کردستان در سال ۲۰۱۷، بر شکنندگی دولت افزود. ناتوانی دولت مرکزی در ادغام مناطق مورد مناقشه باعث شد جنبش‌های جدایی طلب شتاب بیشتری بگیرند که بیشتر با دخالت بازیگران منطقه‌ای تقویت شد. کردها که با سرکوب تاریخی دولت‌های عراق مواجه شده‌اند، از فرصتی که بیداری عربی ایجاد کرده بود استفاده کردند و به دنبال خواست خود برای استقلال بودند. دستیابی به مناطق استراتژیک مانند کرکوک موقعیت و جاه‌طلبی‌های ارضی آنها را مستحکم کرد. هم اقلیم داخلی و هم قدرت‌های خارجی از شکنندگی دولت عراق در این شرایط سوءاستفاده کردند و در نهایت باعث تضعیف نفوذ دولت مرکزی و تثبیت نقش بازیگران خارجی در استراتژی بقای رژیم شد. در نتیجه، دولت عراق پس از بیداری عربی با چالش‌های جدی مواجه شده که منجر به شکنندگی و بی‌ثباتی شده است. براساس داده‌های بنیاد صلح، عراق از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در میان کشورهای شکننده جهان در رتبه بالایی قرار داشت. در شاخص جهانی صلح در سال ۲۰۱۸، عراق در میان ۱۶۳ کشور در رتبه ۱۶۰ قرار گرفت که نشان‌دهنده سطح پایین صلح و ثبات آن است. (FFP, 2014-2018) و (GPI, 2018: 9).

۵-۲. نقش مخرب داعش و ضعف دولت مرکزی عراق

ظهور و گسترش سریع داعش در مناطق مختلف عراق در سال ۲۰۱۴، تمامیت ارضی عراق را به خطر انداخت. داعش با کمک تسلیحات پیشرفته، پشتیبانی لجستیکی و کمک‌های

نظامی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به سرعت به عراق و سوریه نفوذ کرد و کنترل مناطق وسیعی را به دست گرفت. این امر منجر به فروپاشی دولت‌های شیعه در عراق و سوریه شد و از این طریق محور مقاومت را در معرض فرسایش و تهدید قرار داد. حمله داعش به عراق به فرقه‌گرایی و تفرقه دامن زد که منجر به افزایش فشار دیپلماتیک بر شیعیان و سیاست خارجی ایران شد. امنیت و منافع ملی ایران به‌ویژه با حوادثی مانند کشتار دسته‌جمعی شیعیان در عراق به شدت به خطر افتاد. به گفته محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت ایران، داعش را می‌توان به دو عامل نسبت داد. اولاً حمله آمریکا به عراق و حضور نیروهای خارجی، کاتالیزوری برای مقاومت ایجاد کرد. ثانیاً پس از سقوط صدام حسین، احساس عدم تعادل در میان برخی از کشورهای منطقه به وجود آمد و آن‌ها به دنبال تغییر وضعیت موجود بودند. (6: sfandiyari and Tabatabai, 2015).

ایران موضعی پیشگیرانه برای مقابله با پیشروی داعش نشان داد و درباره بازگشت احتمالی گروه‌های جهادی در عراق به قدرت ابراز نگرانی کرد. نگرانی‌هایی در مورد همکاری این گروه‌ها با بعضی‌ها یا تجزیه عراق وجود داشت. ایران برای ارائه کمک به نیروهای کرد و عراق در مبارزه با داعش وقت تلف نکرد. مقامات ایرانی فعالانه آن‌ها را در نبرد علیه این گروه افراطی تشویق و حمایت کردند. در ابتدا نیروهای سیاسی کرد از جمله حزب دموکرات کردستان عراق و نیروهای اسلام‌گرای کرد مخالف درگیری با داعش بودند. آن‌ها به صراحت اعلام کردند که در یک جنگ مذهبی که پشت عنوان مبارزه با تروریسم پنهان شده است، شرکت نخواهند کرد. با این حال، زمانی که داعش به چندین شهر کردنشین مانند شنگال حمله کرد و تهدیدی برای پایتخت اقلیم کردستان، اربیل، بود، مقامات کرد تصمیم گرفتند با تمام قوا با داعش مقابله کنند. به گفته مسعود بارزانی، ایران اولین کشوری بود که برای مبارزه با داعش به دولت اقلیم کردستان تسلیحات داد. (Geranmayeh, 2014)

کمک‌های ایران در جلوگیری از پیشروی داعش به سمت بغداد و اربیل نقش اساسی داشت. نیروی قدس به رهبری سردار قاسم سلیمانی یکی از شاخه‌های سپاه پاسداران نقش بسزایی در آموزش و فرماندهی نیروهای عراقی در طول جنگ با داعش داشت. آن‌ها به‌طور ویژه روی آموزش داوطلبانی نیروهای سیاسی عراقی جذب کرده بودند، از جمله گروه‌هایی مانند صدریس، کتائب حزب‌الله، کتائب الامام علی، سازمان بدر و عصائب اهل حق در استان‌های مختلف عراق تمرکز کردند. (Adelkha, 2015) فرماندهان نیروی قدس سپاه

پاسداران انقلاب اسلامی مستقیماً در مناطق مهم درگیری مانند محاصره آمرلی در شمال عراق حضور داشتند. با ورود سردار سلیمانی، نیروهای کرد و شبه‌نظامیان شیعه عراق با موفقیت داعش را در آنجا شکست دادند. این فعالیت‌ها نشان‌دهنده حضور و نقش ایران در جنگ با داعش در عراق است. (Adelkhah, 2015) در طول جنگ، ایران کمک‌های اطلاعاتی مهمی به نیروهای کرد و عراق کرد. گزارش‌های رسانه‌ها بر استقرار نیروهای اطلاعاتی ایران برای ردیابی ارتباطات داعش و جلوگیری از فعالیت‌های آن‌ها تأکید کردند. علاوه‌براین، گزارش‌هایی مبنی بر ارسال پهپادهای ایران به عراق برای کمک به مبارزه با داعش منتشر شده است. (Alfoneh, 2017) ذکر این نکته ضروری است که ایران در طول جنگ با داعش هزینه‌های قابل توجهی را متحمل شد. ۴۰ مستشار نظامی سپاه در نیروهای حشدالشعبی از ۲۴ اسفند ۱۳۹۲ تا ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ جان خود را از دست دادند. سپاه و سردار سلیمانی نقش اساسی در سازمان‌دهی و تشکیل نیروهای حشدالشعبی داشتند. آنها در طول جنگ از جمله آزادسازی موصل و دیگر شهرها از چنگال داعش آموزش، مشاوره و راهنمایی ارائه کردند. برخی از مقامات حشدالشعبی به حمایت ایران در این زمینه اذعان کرده‌اند. (Roggio and Weiss, 2015)

۳-۵. جنگ نرم و رسانه‌ای آمریکا با محوریت ایران هراسی در عرصه بین‌المللی

کشورها از ابزارها و منابع مختلفی برای ایجاد و تقویت نفوذ خود و اجرای استراتژی‌های سیاست خارجی به‌ویژه در سطح منطقه‌ای استفاده می‌کنند. در خاورمیانه چندین کشور تلاش می‌کنند نفوذ خود را در منطقه و جهان اسلام گسترش دهند. یکی از نمونه‌های بارز عربستان سعودی است که به دنبال افزایش نفوذ خود از طریق استفاده از ابزارها و منابع متنوع، در درجه اول برای مقابله با قدرت و نفوذ ایران است. رقابت‌های سیاسی، ایدئولوژیکی و حتی امنیتی سعودی‌ها با ایران حتی پیش از وقوع انقلاب اسلامی، همواره با قبض و بسط‌های متعددی مواجه بوده است. این مسئله پس از بیداری اسلامی و نگرانی فزاینده سعودی‌ها از ورود امواج اعتراضی اعراب به این کشور تشدید شد. با حضور محمد بن سلمان در سمت ولایتعهدی، سیاست‌های خصومت‌آمیز وی علیه جمهوری اسلامی ایران علناً دو کشور را در بیشترین تنش‌های سیاسی و امنیتی قرار داد، به نحوی که می‌توان مدعی اوج جنگ سرد میان سعودی‌ها علیه ایران شد. (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰)

عربستان سعودی بر نقش ایران در تقویت «محور مقاومت» و نفوذ آن در سراسر شبه جزیره عربستان، عراق، لبنان، سوریه و همچنین تشکیل به اصطلاح «هلال شیعی» تأکید می‌کند. این موارد به‌عنوان نمونه‌هایی از مداخله و نفوذ ایران در خاورمیانه عربی تلقی می‌شوند که نگرانی‌های قابل توجهی را برای عربستان سعودی در مورد تسلط منطقه‌ای ایران و پتانسیل آن برای کاهش قدرت عربستان سعودی ایجاد می‌کند. در نتیجه، عربستان سعودی تلاش می‌کند با به‌کارگیری منابع و ابزارهای تأثیرگذار، در کنار قدرت نظامی و سخت، قدرت و نفوذ خود را تقویت کند. این کشور استراتژی منطقه‌ای را با هدف مقابله با ایران دنبال می‌کند. (پوراحمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲) سیاست قدرت نرم عربستان سعودی از یک‌سو، مشابه مصر تاحدی جهت‌گیری پان‌عربیستی داشته و از سوی دیگر، مشابه ایران جلوه دینی دارد، هرچند در ماهیت آموزه‌های دینی دو کشور تفاوت فاحشی مشاهده می‌شود. البته عربستان سعودی تلاش نداشته نقش مرجعیت ایدئولوژیک واحد و مشخصی برای اعراب و مسلمانان بازی کند. تمرکز عربستان بیشتر همان منطقه شبه جزیره جنوب خلیج فارس بوده است. درآمدهای نفتی سرشار سعودی‌ها در تقویت قدرت نرم این کشور نقش مهمی داشته است. (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۱)

در جریان سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷، شاهزاده محمد بن سلمان ایران را به‌عنوان یک «نیروی شیطانی» توصیف کرد که همه کشورها باید در برابر آن بایستند و تنش بین عربستان سعودی و ایران در پی حملات موشکی هواپیماهای بدون سرنشین که تأسیسات آرامکورا در سال ۲۰۱۹ هدف قرار داد، تشدید شد و این اقدام به منزله ارسال پیام به عربستان سعودی در خصوص توانایی ایران برای مقابله با عربستان سعودی به هر وسیله‌ای از جمله نظامی بود. (Divsallar, 2023: 181-182) در واقع ایران و عربستان در طول چندین سال وارد جنگ رسانه‌ای با یکدیگر شدند که هدف آن تأثیر متقابل بر حریف بود. از زمان به قدرت رسیدن شاهزاده (محمد بن سلمان)، عربستان سعودی یک کمپین رسانه‌ای را با هدف نفوذ در سیاست داخلی ایران و امنیت نظام، حمایت از اپوزیسیون ایران و همکاری با ایالات متحده با هدف سرنگونی نظام ایران به راه انداخت و در عوض ایران نگران مکانیسم تبلیغاتی عربستان سعودی بود که با حمایت از ایستگاه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان از جمله ایران اینترنشنال و دیگر رسانه‌ها مانند فارسی ایندپندنت در اثرگذاری بر مردم ایران علیه نظام نسبتاً موفق بود.

۶. نتیجه گیری

ایران پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، حضور گسترده‌ای در عراق داشته و در وضعیت فعلی، ایران تأثیرگذارترین بازیگر منطقه‌ای در دوره جدید عراق است. این فرصت تاریخی، ایران را به حمایت کامل از دولت جدید عراق، علی‌رغم عدم حمایت، کمک نکردن به بهبود وضع امنیتی این کشور و حتی ممانعت اکثر کشورهای منطقه از دولت جدید عراق تشویق کرد. در این مسیر، ایران برای حمایت از عراق جدید و ایجاد ثبات و امنیت در این کشور، درجه بالایی از قدرت و همکاری را، به‌خصوص در مقابله با داعش، بسیج کرد. در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران کمک‌های اقتصادی و حمایت‌های سیاسی و فرهنگی جامعی را به عراق جدید ارائه کرده است و با توجه به روابط عمیقی که با اقوام مختلف عراقی از جمله شیعیان، سنی‌ها و کردهای اقلیم کردستان برقرار کرده است، از حوزه نفوذ مناسبی در خاک عراق برخوردار است.

با وجود این و علی‌رغم قدرت و توان نظامی و حضور موفقیت‌آمیز ایران در عراق به نظر می‌رسد که ایران در تلاش‌های دیپلماسی فرهنگی خود با چالش‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. محیط پرتنش ژئوپلیتیک و محدودیت‌های داخلی هر دو کشور که ناشی از درگیری‌ها و نیز نگاه‌های ملی‌گرایانه است، مانع از مانورپذیری آن در ارتقای نفوذ فرهنگی شده است. رقابت شیعه و سنی در خاورمیانه و درگیری بین اسلام و غرب اوضاع را پیچیده‌تر کرده است. علاوه‌براین، مشکلات اقتصادی ایران، این کشور را از سرمایه‌گذاری مناسب در دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با رقبای خود بازداشته است. در نتیجه، ایران نتوانسته به تمام ظرفیت‌های خود دست یابد و در گسترش نفوذ فرهنگی خود فراتر از جوامع شیعی شکست‌هایی را تجربه کرده است. کشورهای غیرفارسی‌زبان منطقه بیشتر تحت تأثیر قدرت‌های غربی بوده‌اند، درحالی‌که جایگاه بین‌المللی ایران تا حدودی به دلیل بازگشت تنش‌ها دچار نوسان شده است. در نتیجه، ایران فاقد پذیرش عمیق بین‌المللی و منطقه‌ای است و با فشار رقبا برای منزوی کردن آن در صحنه جهانی و عراق مواجه است.

References

- Acar, A. (2014). Culture and social media 1 (1st ed.). Cambridge University Press.
- Adelkhah, N. (2015). Iranian Intervention in Iraq against the Islamic State: Strategy, Tactics and Impact. *Terrorism Monitor*, 13(2). Retrieved from <https://jamestown.org>.
- Afrasiabi, K. L. (1994). After Khomeini. Westview Press.
- Afzali, R.; Zaki, Y.; Dashti, M. H. (2016). The components of the soft power of the Islamic Republic of Iran and its capacities in the international arena from the perspective of experts. *Political Research*, 8(2), PP. 142-121. **(In Persian)**
- Ahdi, A. (2019). Public diplomacy and foreign policy. Tehran: Center for Strategic Research. **(In Persian)**
- Ahmadzadeh Kermani, R. (2011). Rethinking culture and media. Tehran: Agah Publications. **(In Persian)**
- Alfoneh, A. (2017). Iran-Backed Popular Mobilization Forces Preparing for Post-Islamic State Iraq. Middle East Institute. Retrieved from <http://www.mei.edu>
- Al-Jubouri, A. (2021). The outlook of Iraq-Iran relations in the era of Ebrahim Raisi. Baghdad.
- Al-Khafaji, A. K. (2020). Soft power and its role in shaping Iranian foreign policy. Al-Sunhuri Publishing House, Beirut.
- Al-Maliki, A. M. R. (2021). The ideological dimension of Iranian diplomacy after 2005. Iraq Center for Studies, Baghdad.
- Al-Qarni, W. A. A. (2019). Cultural diplomacy. Al-Ma'arif Publications, Beirut, Lebanon.
- Al-Quraishi, A. L. M. (2022). Iraq in Iran's strategic perception. Adnan Printing,

Publishing, and Distribution House, Baghdad.

- AlSaud, A. (2016). The Iran-Saudi Conflict: The Saudi Perspective. Belfer Center for Science and International Affairs. Retrieved from <https://www.belfer-center.org/publication/iran-saudi-conflict-saudi-perspective>
- Alvand, M. S., & Hosaini, M. S. (2021). Analysis of Saudi aggressive/active foreign policy from the perspective of neoclassical realism (2010-2020). *Journal of Basic and Applied Islamic World Studies*, 2(4), 1-24. **(In Persian)**
- Anderson, B.; Clarke, H. (2017, November 6). Missile attack 'an act of war' by Iran, Saudi Foreign Minister says. Reuters.
- Arndt, R. T. (2005). The first resort of kings: American cultural diplomacy in the twentieth century. Potomac Books Inc.
- Asadi, A.-A. (2018). Saudi Arabia and Regionalism: From Hegemonism to Balancing. *Contemporary Political Researches*, 9(3). **(In Persian)**
- Bakhshayeshi Ardestani, A. (2000). Principles of Foreign Policy of the Islamic Republic. Tehran: Avaye Noor. **(In Persian)**
- Barzegar, K. (2005). Roots of the new terrorism in the Middle East. National Interest, Available at: <http://www.usip.org>
- Barzegar, K. (2006). Iran and the new Iraq: Security challenges foreign powers. *Turkish Journal of International Relations*, 5(3), PP. 381-398.
- Barzegar, K. (2009). Iran's foreign policy from the perspective of offensive and defensive realism. *International Journal of Foreign Relations*, 1(1). **(In Persian)**
- Bjola, C., & Papadakis, K. (2020). Digital propaganda, counter publics and the disruption of the public sphere: The Finnish approach to building digital resilience. *Cambridge Review of International Affairs*, 33, 1-29.
- Bjola, C.; Jiang, L. (2015). Social media and public diplomacy: A comparative analysis of the digital diplomatic strategies of the EU, US and Japan in China.

- In C. Bjola & M. Holmes (Eds.), *Digital diplomacy: Theory and practice* (PP. 141-159). Routledge.
- Bjola, C.; Papadakis, K. (2020). Digital propaganda, counter publics and the disruption of the public sphere: The Finnish approach to building digital resilience. *Cambridge Review of International Affairs*, 33(1), PP. 1-29.
- Bukhush, M. (2017). The future of diplomacy in light of current international developments. *Al-Mufakkir Journal*, Biskra: Mohamed Khider University.
- Cagaptay, S.; Otun, A. S. (2012, May 3). Flooding Out Terror? The Ilisu Dam Project Could Enter the Annals of Counterterrorism as History's First Hydro-Victory. *Washington Institute for Near East Policy*.
- Candidate (2006). Linkages between politics and society in Iraqi Kurdistan – Assessing the region's civil society (Report No. 407). University of Oslo.
- Chckel, J. (1998). The constructive turn in international relations theory. *World Politics*, 50(2), PP. 324-348.
- Cronin, P. M. (Ed.) (2008). *Double trouble: Iran and North Korea as challenges to international security*. Praeger Security International.
- Cummings, M. C. (2003). *Cultural diplomacy and the US government: A survey*. Centre for Arts and Culture.
- Daily Telegraph (2014). Iraq crisis: Iran pledges military help against ISIL as battle for Tikrit escalates. *The Telegraph*.
- Darvishi, F., & Parto, F. (2011). The New Iraq and Iran's Political-Security Strategy. *Iran Bazgoo*. **(In Persian)**
- Davoudi, M.; Kayani, D.; Barzgar, K. (2023). The Taliban's Rise to Power and the Islamic Republic of Iran's Approach. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 5(2). **(In Persian)**
- Divsallar, A. (2023). The Militarization of Iran's Perception of Saudi Arabia. *The Muslim World Journal*, 113(1-2), PP. 181-188.

- Duman, B. (2015). A New Controversial Actor in Post-ISIS Iraq: al-Hashd al-shaabi. ORSAM Report No: 198.
- Ebrahimi, N. (2015). Wahhabi Salafism: Identity differences between Saudi Arabia and Iran. *National Studies Quarterly*, 16(3). **(In Persian)**
- Ehteshami, A. (2003). Iran-Iraq Relation After Sadam. *The Washington Quarterly*.
- Eisenstadt, M. (2015). Iran and Iraq. *The Washington Institute for Near East Policy*. Retrieved from <http://www.washingtoninstitute.org>
- Eisenstadt, M.; Knights, M.; Ali, A. (2011). Iran's Influence in Iraq: Countering Tehran's Whole-of-Government Approach. *Washington Institute for Near East Policy, Policy Focus 111*, PP. 3-4.
- Esfandiary, D.; Tabatabai, A. (2015). Iran's ISIS policy. *International Affairs*, 91(1), PP. 1-18. Retrieved from <https://www.chathamhouse.org>
- Faqihe Abdollahi, A.; Zakarian, M.; Tajik, H. (2023). Iran's Foreign Policy Toward Iraq After the Emergence of ISIS Based on the Responsibility to Protect Doctrine. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 5(2), PP. 91-112
- Feng, L. (2006). The Typologies of Realism. *Chinese Journal of International Politics*, 1, PP. 109-134.
- Helf, G. (2007). USAID Iraq Civil Society and Independent Media Program: Final Report. United State: America's Development Foundation.
- Imamzadeh Fard, P. (2010). Examining the position of soft power in politics. *Political Studies Quarterly*, 7. **(In Persian)**
- Izady, F. (2011). American public diplomacy towards Iran. Imam Sadegh University. **(In Persian)**
- Jamalzadeh, N., & Aghaei, M. (2015). The impact of Iranophobia on the arms race of the Persian Gulf Cooperation Council members. *Contemporary Polit-*

ical Research Quarterly, 6(15). **(In Persian)**

- Keshavarz Moghaddam, E, & Adami, A. (2015). The position of the Axis of Resistance security complex in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Political Studies of the Islamic World*, 4(2), 1-19. **(In Persian)**
- Koolae, E.; Akbari, Z. (2017). Fragile State in Iraq and Women Security. *Contemporary Review of the Middle East*, 4(3), PP. 235-253.
- Kreuter, J. (2021). Ideas and Objects, Meaning and Causation—Frame Analysis from a Modernist Social Constructivism Perspective. In: *Climate Engineering as an Instance of Politicization* (PP.1-18). Springer Climate. Springer, Cham.
- Lee, D.; Hudson, D. (2004). The Old And New Significance of Political Economy in Diplomacy. *Review of International Studies*, 30(3).
- Leftwich, A. (2006). *States of development: on the primacy of politics in development*. Mashhad: Marandiz publication.
- Lewis, D. (2014). Digital diplomacy. Retrieved from <https://www.gateway-house.in/digital-diplomacy-2>
- Lewis, G. (2014). Challenges to and from the Environment in Iran [Presentation at Iran Heritage Foundation and Persian Wildlife Heritage Foundation Symposium, Royal Geographical Society, London].
- Lüfkens, M. (2016). *Twiplomacy study* [Report]. Burson-Marsteller. Retrieved from <https://twiplomacy.com>
- Malone, G. D. (1988). *Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation's Public Diplomacy*. US: University Press of America.
- Manor, I. (2017). *The Digitalization of Diplomacy: Toward Clarification of a Fractured Terminology*. The University of Oxford: Department of International Development.
- Mohammadkhani, A. (2009). Explanation of neo-realism approach in interna-

- tional relations. *Political Studies*, 1(3), 83-100. **(In Persian)**
- Moshirzadeh, H. (2009). Transformation in international relations theories (4th ed.). Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Textbooks. **(In Persian)**
- Niakouei, S. A., & Pirmohammadi, S. (2020). The Transition from State to Quasi-State in Iraq and Syria After the Islamic Awakening (2011-2018). *State Studies*, 6(24), 221-263. **(In Persian)**
- Office of Political Studies. (1997). *Islamic revolution, imposed war, and the international system (A collection of articles on the Sacred Defense)*. Tehran: Islamic Propagation Organization, Printing and Publishing Company. **(In Persian)**
- Parsapour, R. (2011). The Role of Iran and Iraq in Securing the Persian Gulf. *Persian Gulf and Security Monthly*, 10(104). **(In Persian)**
- Parsapur, R. (2010). The role of Iran and Iraq in ensuring the security of the Persian Gulf. *Persian Gulf and Security Monthly*, 10(104). **(In Persian)**
- Pollock, D., & Yaghi, M. (2011). *Saudi Media Take the Lead Against Iran's Regime* (PolicyWatch No. 1545). The Washington Institute for Near East Policy.
- Pourhasan, N., Afshaneh; Khoshnamvand. (2020). The formation of a soft border in Iran-Iraq relations in the post-Saddam era. *Strategic Policy Research Quarterly*, 9(34), PP. 73-105. **(In Persian)**
- Pourhassan, N., & Khoshnamvand, A. (2020). The Formation of a Soft Border in Iran-Iraq Relations in the Post-Saddam Era. *Strategic Policy Research Quarterly*, 9(34), 73-105. **(In Persian)**
- Sari, M. (2007). Conceptions of power and multiplicity of interests: Iran's regional policy. *University of Sharjah Journal of Islamic and Human Sciences*, (4), Sharjah.
- Sohrabi, M., Ashrafi, A., & Karimi, M. (2016). The Anatomy of Iraqi Political Par-

ties and Groups and Their Impact on Iran-Iraq Relations. *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 9(34), 167–196. **(In Persian)**

Tishehyar, M. (2012). A Study of India's Regional Cooperation Approach in the Persian Gulf. *Middle Eastern Studies*, 19(3), 97–112. **(In Persian)**

Waltz, K. N. (1979). *Theory of international politics* (R. T. Arani, Trans.). Tehran: Mokhatab Publications. (Original work published 1979). **(In Persian)**

Zandi, D. G. (2010). Nation-State building, national identity and rebuilding process in Iraq: historical experiences and future horizons. *Strategic Studies Quarterly*, (47), PP. 5-36. **(In Persian)**

Zanganeh, P., & Hamidi, S. (2016). Representation of the Nature of the Logic Governing Iran and Saudi Arabia's Actions in the Yemen Crisis. *Strategic Policy Research*, 5(18), 143–169. **(In Persian)**